**نقش سیاست‌های دولت در عناصر معنوی فرهنگ مالیاتی**

**(مطالعه موردی جامعه شهری کشور ایران)**

**وحید صادقی حسنوند[[1]](#footnote-1)، ابراهیم نانکلی[[2]](#footnote-2)، فرشته حیدرزاده[[3]](#footnote-3)**

**اداره کل امور مالیات‌های مرکز تهران**

**چکیده**

هدف تحقیق بررسی تغییرات نرخ متوسط مالیات به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست‌های مالی دولت بر رفاه و توزیع مخارج خانوارهای شهری کشور ایران طی دوره 1400-1367 و بررسی آثار آن بر هنجارهای حاکم بر ذهنیت این خانوارها است. انتظار است در صورت اجرای صحیح این سیاست، درآمد و رفاه خانوار شهری بهبودیافته و شهروندان آثار آن را در زندگی مشاهده کنند در غیر این صورت و وجود آثار زیان‌بار، نه‌تنها خانوارهای شهری با این سیاست همراهی نخواهند کرد بلکه به دنبال مقابله و راهکاری برای فرار از آن می‌باشند. به این منظور در این مقاله در ابتدا نرخ متوسط مالیات را به دست می‌آوریم و در مرحله بعد با تکیه‌بر تئوری‌های مربوط به‌اندازه گیری تغییرات رفاهی مصرف‌کنندگان، فرمول تغییرات جبرانی در چارچوب سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل (*AIDS*) استخراج و در آخر توزیع مالیات خانوار شهری از رابطه ضریب جینی محاسبه می‌گردد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تغییرات جبرانی در این دوره زمانی مثبت بوده است یعنی افزایش نرخ متوسط مالیات در این دوره موجب کاهش رفاه خانوار شهری شده است. همچنین ضریب جینی محاسبه‌شده نشان از بهبود توزیع مالیات و فقیرتر شدن خانوار شهری دارد، چراکه توزیع بهتر مالیات نشان از بزرگ‌تر شدن جامعه مالیات‌دهنده شهری و از دست دادن گروه‌های کالایی از سبد مصرفی‌ای خانوار می‌باشد. مالیات در بخش خانوار شهری به‌عنوان یک منبع درآمدی دولت مؤثر بوده اما به‌عنوان یک ابزار جهت افزایش رفاه خانوار به هدف خود نرسیده و فرهنگ‌سازی در این بخش تنها با راهکارهای تبلیغاتی مفید نخواهد بود.

**واژه‌های کلیدی: نرخ متوسط مالیات، سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل، شاخص رفاهی، توزیع مالیات.**

**طبقه‌بندی *JEL: R22, H24, D31, D60*.**

1. **مقدمه**

از مهم‌ترین ویژگی‌های طبقه متوسط آن است که حتماً با شهرنشینی شکل می‌گیرد؛ بنابراین شهرنشینی لازمه شکل‌گیری طبقه متوسطه است. این مجموعه عوامل موجب می‌شود که مفهومی به نام طبقه متوسط داشته باشیم. بعد از اصلاحات ارضی، طبقه متوسط شروع به گسترش کرد که مهم‌ترین اقدامی که در اصلاحات ارضی صورت گرفت این بود که نیروی کار وابسته به زمین، از زمین آزاد شد. این گروه زمین‌های خود را فروخت و به شهر آمد و تبدیل به کارگر کارخانه‌ها شد. فرزندان آن‌ها مهندسان کارخانه شدند و نوه‌هایشان بخش خدمات را گسترش دادند؛ یعنی همان نیروی کاری که از روستا به شهر مهاجرت کرد، آرام‌آرام طبقه متوسط را شکل داد؛ بنابراین باید بگوییم که طبقه متوسط به‌نوعی به توسعه شهری و توسعه صنعتی وابسته است. این مجموعه عوامل طبقه متوسط را در ایران شکل می‌دهد. درصورتی‌که وضعيت اقتصادي کشور به سمت کاهش نرخ تورم، افزايش رشد اقتصادي و کاهش بيکاري برود، احتمال تقويت بدنه طبقه متوسط نيز ايجاد می‌شود. رشد طبقه متوسط نشانه سلامت جامعه است[[4]](#footnote-4).

بنابراین تغییر در رفاه اجتماعی یا هم‌زمان با آن تغییر در توزیع درآمد خانوار شهری، ازجمله زمینه‌های ارزیابی نظام‌های اقتصادی به شمار می‌رود. در کشور ایران طی چند سال گذشته اثرات سیاست‌های مالیاتی همراه با آزادسازی و اصلاح قیمت و در قالب تورم بالا خود را نشان داده است. این تغییرات سیاسی تهدیدی برای کوچک‌تر کردن طبقه متوسط و فقیرتر شدن و نادیده گرفتن این بخش مهم از جامعه است. در طی سال‌های موردمطالعه (1400-1367)، رقم نقدينگي از 6/15687 هزار ميليارد ریال در سال 1367 به بیش از 000/4 هزار میلیارد تومان در سال 1400 رسيده است. این در حالی است رشد اقتصادی متوسط طی این سال‌ها معادل 7/3 درصد بوده است. در اين دوره نرخ دلار 48 برابر، نقدينگي 28/975 برابر و شاخص تورم بیش از 21 برابر بوده است (آمار از سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج‌شده است). بر اين اساس، اين پرسش مطرح است كه در اين سی‌وچهار سال، سالانه می‌بایست چه میزان به‌عنوان هزینه‌های جبران کاهش رفاه این قشر متوسط پرداخت شود؟ چه میزان دولت حمايت كند؟ منابع و امکانات چگونه بین اقشار مختلف جامعه توزیع‌شده است؟ آیا سیاست‌های مالیاتی دولت مکمل سیاست‌های اصلاحی قیمت بوده و توانسته است فشار ناشی از تورم را کاهش دهد و موجب افزایش رفاه و توزیع درآمد شود؟ در این تحقیق به‌منظور پاسخ به این سؤالات بر یکی از ابزارهای مهم دولت، یعنی تغییرات نرخ مالیات متوسط بر شاخص‌ رفاهی خانوارهای شهری تمرکز می‌کنیم. چراکه علی‌رغم آثار مثبت آن در رفع کسری بودجه دولت، عدم برنامه‌ریزی و توجه به آثار آن در جامعه شهری می‌تواند مشکلات فراوانی را برای سرزمین ملی ایجاد می‌کند. در این راستا، این مقاله در چهار بخش تنظیم‌شده است. پس از مقدمه، در بخش دوم به ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق پرداخته می‌شود. در بخش سوم به مبانی نظری و در بخش چهارم معرفی الگوی تحقیق و معرفی داده‌ها، کشش‌های تقاضا، شاخص تغییرات جبرانی و توزیع مالیات خانوار محاسبه می‌گردد و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهاد بیان می‌شود.

1. **ادبيات پژوهش**

حاکمان و سیاست‌گذاران در همه کشورها به دنبال کاهش نابرابری درآمد جامعه تلاش می‌کنند. از میان ابزارهای موجود، کارآمدترین و مهم‌ترین ابزار توزیع درآمد در جامعه مالیات است. مالیات می‌تواند معنا و مفهوم گسترده‌ای داشته باشد؛ در یک تعریف ساده آن را هزینه‌ای در جهت تأمین هزینه‌های عمومی جامعه می‌توان تعریف کرد. یکی از تعاریف مشهور در مورد انواع مالیات در ایران، تعریفی است که سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ارائه کرده است. طبق این تعریف، مالیات، پرداختی است الزامی و بلاعوض که به اشخاص، مؤسسات، دارایی‌ها و … تعلق می‌گیرد. در ایران مالیات به 2 دسته کلی تقسیم می‌شود:

. **مالیات‌های مستقیم:** در مجموعه مقررات مالیاتی، مالیات‌های مستقیم به دو صورت مالیات بر درآمد و مالیات بر دارایی محاسبه می‌شوند. مالیات بر درآمد درواقع آن است که هنگام دریافت هر نوع درآمدی (شامل حقوق، املاک، کشاورزی و…) مبلغی به‌عنوان مالیات از آن کسر می‌شود و مبلغی که تحت عنوان درآمد به دست شما می‌رسد، با کسر مالیات است. مالیات بر دارایی مانند املاک و مستغلات، مالیات بر ارث، حق تمبر و …. نیز به‌صورت سالانه بر تمام دارایی‌های یک فرد وارد می‌شود.

### مالیات غیرمستقیم: رایج‌ترین نوع مالیات غیرمستقیم [مالیات بر مصرف](https://www.sepidarsystem.com/blog/consumption-tax/) است که هنگام خرید کالاها و محصولات آن را می‌پردازیم. از انواع دیگر و مثال برای مالیات غیرمستقیم مالیات بر ارزش‌افزوده و مالیات‌های گمرکی است. برای

### محدود کردن واردات و تقویت تولید داخلی برخی مالیات‌های سنگین بر کالاهای گمرکی وارد می‌شود.

مالیات از هرکدام دسته‌های اشاره‌شده باشد باید به ثبات اقتصادی و عدم استفاده از دلارهای ناپایدار نفتی برای تأمین مخارج جاری دولت و چرخش به‌سوی منابع مالیاتی جهت این‌گونه مخارج است. البته عدم اجرای صحیح این سیاست در کنار دیگر عوامل می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات عدیده برای کشور شود. مشکلاتی همچون افزایش افسارگسیخته قیمت‌های و توزیع نابرابر درآمد که جامعه ایران طی دوره‌های مختلف آن را تجربه کرده و منجر به کوچک‌تر شدن جامعه متوسط و شکاف طبقاتی شدید شده است. نرخ‌های تورم بالا آثار نامطلوبی با خوددارند که بر فرایند رشد و توسعه اقتصادی و درنهایت توزیع درآمد و عدالت اقتصادی می‌تواند مؤثر واقع شود.

**2-1-1- اثرات مالیات بر رفاه**

اندازه‌گیری رفاه، یکی از مبانی تحلیل سیاست‌های بخش عمومی است. یک بررسی جامع در مورد مالیات‌ها، یارانه‌ها، برنامه‌های انتقالی، اصلاح مراقبت‌های بهداشتی، مقررات، سیاست‌های زیست‌محیطی، سیستم تأمین اجتماعی و اصلاح آموزشی باید درنهایت در پاسخ به این پرسش باشد که این سیاست‌ها، چگونه بر رفاه افراد اثر می‌گذارند (اسلیسنیک، 1998).[[5]](#footnote-5) با تغییر شرایط اقتصادی، مانند تغییر قیمت‌ها، میزان مطلوبیت به‌دست‌آمده مصرف‌کنندگان ممکن است افزایش یا کاهش یابد. برای چگونگی و شدت تأثیرپذیری مطلوبیت و تغییر جبرانی مصرف‌کننده، از معیار تغییر جبرانی*[[6]](#footnote-6)* (*cv*) استفاده می‌شود (فرمان آرا و موسوی،1392). این معیار از قیمت‌های جدید به‌عنوان قیمت پایه استفاده می‌کند و می‌پرسد چقدر درآمد برای جبران مصرف‌کننده در تغییر قیمت جدید لازم خواهد بود.

**2-1-2- اثر مالیات بر توزیع مخارج خانوار**

جنبه‌های دیگر این تحقیق بررسی اثر سیاست‌های مالیاتی بر توزیع مالیات خانوار شهری است. وجود نابرابري گسترده در توزيع درآمد، سلامت، بهداشت، آموزش و... به بروز بی‌عدالتی و فقر منجر می‌شود، چراکه با فرض هر سطحي از رشد اقتصادي، نابرابري بالا در هر یک از شاخص‌های توزیع باعث ايجاد شکاف بيشتر در طبقات جامعه و گسترش فقر می‌شود. اين عامل می‌تواند به آن دليل باشد که سهم اندکي از منابع و امکانات به‌دست‌آمده به اقشار محروم و طبقات پايين درآمدي می‌رسد. البته در این مقاله تغییرات توزیع سهم مالیات پرداختی در جامعه شهری را موردبررسی قرار می‌گیرد.

**2-1-3- فرهنگ مالیاتی**

اهمیت مالیات به‌عنوان یکی از منابع مهم درآمدی بر هیچ‌کس پوشیده نیست تا جایی که این منبع درآمد برای دولت‌ها ثبات در برنامه‌ریزی برای ارائه خدمات را به همراه خواهد داشت ولی آیا مالیات‌دهندگان از این منبع فایده خواهند برد و با میل و رغبت حاضر به پرداخت هستند؟ آیا دولت‌ها برای اخذ مالیات مانند دیگر واحدها و بنگاه‌های اقتصادی نیاز به تبلیغ و بزرگ‌نمایی خدمات خوددارند؟

در این مقاله تلاش شده است اثرات مالیات بر مهم‌ترین بخش اقتصاد یعنی خانوارهای شهری بررسی شود و با نتایج به‌دست‌آمده به‌راحتی می‌توان دریافت که آیا مالیات در طی دوره موردبررسی توانسته به یک ارزش و فرهنگ تبدیل شود؟ یا خیر؟ در ضمن با نتایج به‌دست‌آمده علت فرار مالیاتی را می‌توان درک کرد و با درک شرایط مالیات‌دهندگان بتوان در جهت تبدیل‌شدن مالیات به یک ارزش و فرهنگ قدم برداشت؛ بنابراین ازنظر محققین این مقاله اولین قدم در فرهنگ‌سازی مالیاتی عینی کردن آثار مالیات بر مهم‌ترین بخش اقتصادی کشور است.

در یک تعریف؛ فرهنگ مالیاتی عبارت است از نظام مالیاتی مرکب قانون، روش‌های عملیاتی، مؤدیان مالیاتی و دستگاه مالیاتی به نمایندگی از حاکمیت که زنجیره ثبت‌نام توسط مالیات پردازان تا وصول مالیات توسط دستگاه مالیاتی را شامل می‌شود.[[7]](#footnote-7) با توجه به هدف ذکرشده محققین در این پژوهش عناصر معنوی فرهنگ مالیاتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ یعنی هنجارهای حاکم بر ذهنیت گروه‌های اجتماعی نسبت به پرداخت مالیات و موارد مصرف آن و احساس عدم تبعیض بین مؤدیان و مشاهده آثار آن در زندگی خانوارهای شهری است.

**2-2- ادبیات تجربی**

کروز (2014)[[8]](#footnote-8) در مقاله‌ای اثر ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد را بررسی کرد و نشان داد که افزایش نرخ‌های مالیات بر درآمد، نابرابری را کاهش داده و موجب کاهش رشد اقتصادی، کاهش عرضه نیروی کار و کاهش پس‌انداز در اقتصاد اسپانیا شده است. گرین و همکاران (2015)[[9]](#footnote-9) توزیع درآمد کشور کانادا را با استفاده از شاخص کاکوانی و رابطه آن را با مالیات برای دوره 2011-1976 موردبررسی قراردادند. نتایج نشان داد که افزایش درآمدهای مالیاتی دولت موجب کاهش نابرابری درآمد در کانادا شده است. ماریسکال و ورنر (2018)[[10]](#footnote-10) اثرات مالیات ارزش‌افزوده بر رفاه و قیمت را با استفاده از تقاضای سیستمی طی سال‌های 1915 لغایت 2014 برای کشور مکزیک موردبررسی قراردادند. نتایج تحقیق نشان داد که بار مالیاتی بر دوش مصرف‌کننده بوده و همچنین این مالیات باعث کاهش رفاه و افزایش قیمت می‌شود. گابر و گرووفسکی (2018)[[11]](#footnote-11) تأثیر فرهنگ مالیاتی، نقش مالیات در کاهش نابرابری، فقر، اجتناب مالیات‌دهندگان از مالیات و فرار مالیاتی را موردبحث قراردادند. نتایج تحقیق نشان داد که دولت می‌تواند باسیاست‌های مالیاتی کارآمد علاوه بر رسیدن به هدف خود (کاهش فقر و نابرابری) به فرهنگ‌سازی و تمکین مالیات‌دهندگان به مالیات کمک کند؛ و رفتار مالیات‌دهندگان و مأموران مالیاتی را در شکل‌گیری فرهنگ مالیاتی مهم می‌داند.

کورستلکینا و همکاران (2020)[[12]](#footnote-12) بهبود فرهنگ مالیاتی و انضباط مؤدیان مالیاتی در جهت منافع توسعه پایدار را موردبررسی قراردادند. منظور از توسعه پایدار در این تحقیق؛ شامل مردم (فضای اجتماعی)، طبیعت (محیط‌زیست) و اقتصاد می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد انضباط مالیاتی و سیاست دولت در این زمینه می‌تواند بر این توسعه پایدار نقش بسیار مهمی ایفا کند و فرهنگ مالیاتی و انضباط مالیاتی هر دو حلقه‌هایی از یک زنجیره هستند.

تبریزی و کمیجانی (1389) عوامل مؤثر برافزایش فرهنگ مالیاتی در میان مؤدیان بخش مشاغل صنف لوازم‌التحریر در استان البرز را موردبررسی قراردادند. در این تحقیق عوامل درون و برون‌سازمانی موردبررسی قرار گرفت. تأثیر عوامل برون‌سازمانی همچون اتحادیه‌های صنفی، داشتن وکیل حقوقی، تشویق و تقدیر از مؤدیان خوش‌حساب در افزایش فرهنگ مالیاتی نیز مورد تائید قرار گرفت. تأثیر عوامل برون‌سازمانی همچون انجام مکانیزه امور مالیاتی، وجود نظام جامع اطلاعات مالیاتی، اطلاع‌رسانی مالیاتی و شفاف بودن قوانین مالیاتی در افزایش فرهنگ مالیاتی مورد تائید قرار گرفت. عوامل درون‌سازمانی همچون سطح تحصیلات مؤدیان، داشتن انگیزه برای مشارکت اجتماعی، آشنایی مؤدیان با قوانین مالیاتی، نگرش مثبت مؤدیان نسبت به کارکرد مالیاتی و اعتماد سیاسی نسبت به دولت در افزایش فرهنگ مالیاتی مؤثر می‌باشد. مسیحی و محمد نژاد عالی زمینی (1394) به بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ مالیاتی از دیدگاه مؤدیان و کارشناسان مالیاتی با استفاده از مدل معادلات ساختاری پرداختند و عوامل مؤثر بر فرهنگ مالیاتی اداره کل امور مالیات بر ارزش‌افزوده شهر تهران را بررسی کردند. نتایج نشان داد که یکی از موانع برای تحقق مالیات بر درآمد مالیات بر فرهنگ است. بر اساس نتایج تحقیق احساس نگرش مثبت به شغل و تناسب محیط شغلی کارگزاران مالیاتی، ضمانت اجرایی و تکریم ارباب‌رجوع و حفظ و حراست از شأن کارگزاران، ازجمله عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ مالیاتی می‌باشند. احتشامی و عبدی (1395) ارتقا فرهنگ مالیاتی و تأثیر آن بر نظام مالیاتی در کشور ایران را موردبررسی قراردادند و نتایج حاکی از آن است که ارتقای فرهنگ مالیاتی در میان مردم پایین‌تر از حد متوسط بوده است؛ و بی‌اطلاع بودن مردم از اهمیت پرداخت مالیات یکی از عوامل عدم ارتقای فرهنگ مالیاتی است و ارتقای سطح فرهنگ مالیاتی سبب افزایش وصولی مالیات‌ها می‌گردد. ابراهیمی سرو علیا و همکاران (1398) نقش منطقه‌ای استقرار اظهارنامه‌های مالیاتی در تمایل به پرداخت مالیات و عوامل مؤثر بر تمایل به پرداخت مالیات در بین مؤدیان مالیاتی اداره امور مالیاتی شهر تهران را موردبررسی قراردادند. یافته‌های تحقیق نشان داد که در تمامی عامل‌ها میانگین رتبه اظهارنامه‌های مستقر در مرکز تهران بالاتر بوده و این میانگین برای عامل‌های قانون، رفتاری، ساختاری و اقتصادی به ترتیب برابر 48/164، 15/158، 2/159 و 98/154 می‌باشند. همچنین نتایج نشان داد که میانگین رتبه تمام عامل‌ها در مورد اظهارنامه مالیاتی مستقر در مرکز تهران به‌صورت معناداری بالاتر از سایر مناطق است.   
بی‌زوال (1399) مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء فرهنگ و تمکین مالیاتی مؤدیان سازمان امور مالیاتی کشور را برای مؤدیان فعال واحد مشاغل استان آذربایجان غربی موردبررسی قرارداد. نتایج نشان داد که به‌غیراز فرضیه اول که مکانیزه کردن فرایندهای مالیاتی هست، بقیه فرضیه‌ها رابطه معنی‌داری بافرهنگ و تمکین مالیاتی دارند؛ و درنهایت در راستای نتایج تحقیق پیشنهادهای کاربردی برای بالا رفتن فرهنگ و تمکین مالیاتی و همچنین پیشنهادهای نیز جهت تحقیق محققان آتی ارائه گردید.

1. **ارائه الگوی پژوهش و تبیین روش برآورد**

هدف تحقیق بررسی اثرات نرخ متوسط مالیات بر رفاه و توزیع مالیات خانوارهای شهری کشور طی دوره زمانی 1400-1367 است و در ادامه بررسی شود که آیا سیاست‌های مالیاتی توانسته به گسترش فرهنگ مالیاتی کمک کند.

**3-1- محاسبه نرخ مالیات متوسط و توزیع مالیات**

در این پژوهش نرخ متوسط و توزیع مالیات با استفاده از درآمد و مخارج دهک‌های خانوارهای شهری به‌دست‌آمده است. به این منظور از پرسشنامه خانوار که از مرکز آمار اخذشده است استفاده کرده‌ایم. این پرسشنامه‌ها شامل اطلاعات درآمد خانوار و مخارج گروه‌های کالایی است که سالانه توسط مرکز آمار ایران استخراج می‌شود؛ که با استفاده از نرم‌افزارهای اکسس[[13]](#footnote-13) و اکسل[[14]](#footnote-14) دادها استخراج و مورداستفاده قرارگرفته‌اند. پس از استخراج دهک‌های درآمدی، با اعمال ماده 85 قانون مالیات‌های مستقیم[[15]](#footnote-15) بر درآمد هر یک از این دهک‌ها، میزان مالیات پرداختی هر دهک به تفکیک محاسبه می‌شود. در گام بعدی از تقسیم میزان مالیات بالقوه بر درآمد هر دهک نرخ متوسط مالیات دهک‌ها محاسبه می‌شود.

در این تحقیق توزیع مالیات طی دوره موردبررسی برای خانوار شهری محاسبه‌شده است. به‌منظور بررسي و تحليل سطح نابرابري روش‌های متعددي توسط آمارشناسان و اقتصاددانان معرفی‌شده است، يکي از مناسب‌ترین آن‌ها محاسبه ضريب جينی است. کميتي که مقداري بين صفر (حداقل نابرابري) و يک (حداکثر نابرابری) داشته، مستقل از ميانگين بوده و متقارن است (به اين معنا که اگر افراد درآمدهايشان را دوبه‌دو معاوضه کنند تغييري در ضريب جيني حاصل نمی‌شود) در اين شاخص انتقال درآمد از افراد غني به افراد فقير جامعه باعث کاهش شاخص شده و مقدار آن، به توزيع گروه‌های کالایی در گروه‌های مياني جامعه حساس است. در این تحقیق ضریب جینی از رابطه و با استفاده از نرم‌افزار *R[[16]](#footnote-16)* محاسبه می‌شود. در این رابطه درصد تجمعی شاخص‌های موردبررسی خانوارها و *n* تعداد گروه‌های شاخص موردبررسی می‌باشد.

**3-2- سیستم تقاضای مصرف‌کننده**

سیستم‌های تقاضای مصرف‌کننده بیان می‌کند که چگونه مصرف‌کننده درآمد خود رابین انواع مختلف کالاها تخصیص دهد. این مدل‌ها، معمولاً مبتنی بر تئوری‌های اقتصاد خرد هستند که طرف تقاضا را لحاظ و اطلاعات طرف عرضه را نادیده می‌گیرند. به‌عبارت‌دیگر تقاضا را مستقل از طرف عرضه، تحلیل می‌کنند.

**3-2-1- سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل**

دیتون و مولباور سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل را به ادبیات اقتصادی معرفی کردند. این سیستم مبتنی بر تابع مخارج خطی (هزینه) تعمیم‌یافته لگاریتم مستقل از قیمت[[17]](#footnote-17) است که برای اولین بار توسط مولباور معرفی شد (دیتون و مولباور، 1980).[[18]](#footnote-18) تابع مذکور به‌صورت زیر است:

كه در آن *u* سطح مطلوبيت است و ،  و  پارامتر هستند. دیتون و مولباور برای استخراج سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل، تابع تقاضای جبرانی را بر اساس تابع مخارج (1) به دست آورده و پس‌ازآن تابع مطلوبیت غیرمستقیم را استخراج نموده و نهایتاً تابع تقاضای غیر جبرانی را به دست آورده‌اند. معادلات سهمی غیر جبرانی سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل به‌صورت زیر است.



که سهم مخارج كالاي *i* ام، تابعي از*m* و *p* به دست می‌آید. اگر در رابطه فوق  را برحسب ساير مقادير به دست آوريم، رابطه زير به دست می‌آید.



همان‌گونه که ملاحظه می‌شود مدل سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل، غیرخطی بوده که معمولاً برای خطی کردن آن از شاخص استون[[19]](#footnote-19) به‌عنوان یک جانشین[[20]](#footnote-20) به‌جای شاخص واقعی *p* استفاده می‌شود. شاخص استون به‌صورت زیر است:



در رابطه فوق قیمت کالاها در گروه‌های موردبررسی و سهم کالای موردبررسی در بودجه خانوار است. به‌کارگیری معادله (4) مدل خطی شده و به‌راحتی قابل تخمین است، که به آن اصطلاحاً، فرم تقریب خطی دستگاه معادلات تقاضای تقریباً ایده‌آل[[21]](#footnote-21) گویند. این سیستم برای سازگاری با نظریه‌های تقاضا دارای محدودیت‌هایی چون جمع‌پذیری،[[22]](#footnote-22) همگنی[[23]](#footnote-23) و تقارن[[24]](#footnote-24) است که تنها به مقدار پارامترهای نامشخص مدل بستگی دارد. محدودیت‌های فوق عبارت‌اند از:



از مجموعه قیدهای فوق، قید همگنی و تقارن مورد آزمون قرار می‌گیرند و قید جمع‌پذیری بر مدل تحمیل‌شده و احتیاجی به آزمون ندارد. کشش‌های قیمتی (جبران نشده) خودی، متقاطع و کشش درآمدی (مخارج) به ترتیب توسط روابط (8) تا (10) مشخص‌شده‌اند:



درزمینه شکل تابعی مناسب، دیتون و مولباور الگوی قابل برآورد سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل را به‌صورت رابطه زیر (که توسط رابطه 2 ارائه‌شده) را معرفی می‌کنند.

تقریب خطی آن به‌صورت زیر بوده و برابر هست:

1. * 1. **استخراج تابع تغييرات جبراني براي سيستم تقاضاي ايده‌آل**

تغيير جبراني طبق تعريف عبارت از حداقل مقداري كه به مصرف‌کننده به دليل افزايش قيمت داده مي‌شود تا وي بتواند به همان سطح مطلوبيت قبلي دست يابد.



*اولین رابطه در طرف راست مخارج مصرف‌کننده در سطح مطلوبیت اولیه و در بردار قیمتی یک و دومین رابطه مخارج مصرف‌کننده در سطح مطلوبیت صفر و بردار قیمتی صفر را نشان می‌دهد. از تفاوت این دو سطح مطلوبیت شاخص تغییرات جبرانی محاسبه می‌گردد. با انجام محاسبات ریاضی و جایگزینی مناسب معادله (14) را به‌صورت زیر استخراج می‌کنیم:*

که در آن و بردار شاخص قیمت کالای *j* و *i* ام قبل از تغییر قیمت و و بردار شاخص قیمت کالای *j* و *i* ام بعد از تغییر قیمت می‌باشد. در این تحقیق به‌منظور تخمین مدل و آزمون‌های مرتبط از نرم‌افزار *Eviews[[25]](#footnote-25)* استفاده می‌شود.

1. **روش تحقیق برآورد مدل**

در این تحقیق در ابتدا نرخ متوسط مالیات را به دست می‌آوریم که به این منظور از درآمد خانوار شهری ایران که توسط مرکز آمار ایران سالانه منتشر می‌شود استفاده می‌کنیم. منظور از مالیات در این تحقیق اعمال ماده 85 قانون مالیات‌های مستقیم مربوط به مالیات بر درآمد حقوق و دستمزد بخش خصوصی برای محاسبه نرخ‌های متوسط مالیات استفاده‌شده است، زیرا در سال‌های موردبررسی بخش حقوق و دستمزد همواره بیش از 50 درصد درآمد دهک‌ها را تشکیل داده است. همچنین اکثر حقوق‌بگیران در طبقات متوسط و ضعیف درآمدی قرار دارند که نقش مهمی در تعیین میزان نابرابری جامعه دارند.[[26]](#footnote-26) از تقسیم میزان مالیات بالقوه بر درآمد هر خانوار نرخ متوسط مالیات در سال خانوار شهری محاسبه می‌شود. در گام بعد به‌منظور تخمین تابع تقاضا، خانوار شهری به‌عنوان واحد آماری و مخارج مصرفی آن به‌عنوان داده‌های تحقیق در تخمین تابع تقاضا موردبررسی قرار می‌گیرند. مخارج مصرفی در مقایسه با درآمد، از رفتاری باثبات‌تر برخوردار است به‌عنوان‌مثال دارندگان درآمد بالا برای فرار از پرداخت مالیات درآمدهای خود را کمتر از مقدار واقعی و کم‌درآمدها نیز برای دریافت کمک رفاهی بیشتر درآمد خویش را پایین‌تر بیان می‌کنند. بدنه آماری بودجه خانوار مشتمل بر اطلاعات هزینه خانوار و مرتبط با خوراک، مالیات پرداختی خانوار و سایر گروه کالایی است که آن را جهت تخمین توابع تقاضا بسیار مناسب می‌سازد. علت انتخاب گروه کالایی خوراک در این تحقیق در کنار مالیات، اهمیت این گروه کالایی برای خانوار و سهم بالای آن در بودجه خانوار است و تغییرات سهم این گروه کالایی درنتیجه گیری می‌تواند بسیار مفید باشد. شاخص‌های قیمتی گروه‌های کالایی موردبررسی از سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران به‌دست‌آمده است.

**4-1- تخمین تابع تقاضا و محاسبه شاخص‌های رفاهی**

**4-1-1- معرفی مدل**

در سیستم تقاضا متغیرهای *WT، WF، WO* به ترتیب نشان‌دهنده سهم مالیات، خوراک و سایر گروه‌های کالایی از کل مخارج خانوار شهری است. متغیرهای *pt،pf، po، M* وبه ترتیب قیمت اسمی گروه‌های کالایی مالیات، خوراک، سایر گروه‌های، مخارج و شاخص استون است. به‌منظور واقعي كردن مخارج از شاخص استون به‌صورت استفاده کرده‌ایم. همچنين** در ابتداي نام هريك از متغيرها به معناي لگاريتم طبيعي آن متغير است. مدل مناسب برای تخمین تقاضای کالاهای موردمطالعه بر اساس سیستم تقاضای *AIDS* به‌صورت زیر است. ازآنجاکه در برآورد سیستم معادلات تقاضا، بین جملات خطای معادلات مختلف همبستگی وجود دارد، در تخمین آن از روش رگرسیون معادلات به‌ظاهر نامرتبط (*SUR*)[[27]](#footnote-27) استفاده می‌شود.

* + 1. **آزمون ریشه واحد**

قبل از تخمین مدل نیاز است مانایی[[28]](#footnote-28) متغیرهای مدل با استفاده از آزمون[[29]](#footnote-29)*ADF* موردبررسی قرار گیرد و درصورتی‌که متغیرها در سطح مانا نگردند با استفاده از تفاضل گیری مراتب بعدی آن مورد آزمون قرار می‌گیرند. نتیجه این آزمون در جدول (1) نشان می‌دهد تمامی متغیرها در سطح پایا هستند.

**جدول 1: آزمون مانایی در متغیرهای وابسته و مستقل**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| متغیر | آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته | نتیجه آزمون |
|  | سطح | پایا |
|  | سطح | پایا |
|  | سطح | پایا |
|  | سطح | پایا |
|  | سطح | پایا |
|  | سطح | پایا |
|  | سطح | پایا |

مأخذ:نتایج تحقیق

* + 1. **نتایج حاصل از برآورد تابع تقاضا**

به‌منظور تخمین و برآورد پارامترهای مدل سیستم تقاضای ایده‌آل، ابتدا سیستم معادلات را به‌صورت غیر مقید تخمین و سپس به آزمون محدودیت‌های همگنی و تقارن پرداخته و در صورت پذیرش این قیود، مدل به‌صورت مقید برآورد می‌شود. نتایج تخمین به‌صورت دستگاه معادلات نشان داده‌شده است. تمامی پارامترها در سطح 5 درصد معنی‌دار هستند. ضرایب تعیین[[30]](#footnote-30) و دوربین واتسون[[31]](#footnote-31) براي تمامی معادلات به ترتیب مقادیر نزدیک به یک و دو را نشان می‌دهد که نشان از خوبی برازش دارد. ضرایب خود قيمتي تمامي حامل‌ها با سطح احتمال بسيار بالايي معنی‌دار هستند. دليل اين امر آن است كه روند تغييرات مقدار مصرف و قيمت اسمي هر يك از گروه‌های کالایی كاملاً همسو است و حتي نوسان‌های آن‌ها نيز تقريباً باهم هماهنگ است. ضریب خود قیمتی گروه خوراک و سایر کالاها منفی است. به این معنی که مثلاً، اگر قیمت گروه کالایی خوراک يك درصد افزايش يابد، سهم گروه کالایی خوراک از كل مخارج انرژي خانوارها به ميزان 07/0 کاهش خواهد يافت؛ بنابراین با توجه به نوع زندگی خانوار شهری، افزایش قیمت در گروه‌های خوراک و سایر کالاها اقدام به جانشین کردن کالاهای دیگر به‌جای این گروه‌های کالایی در سبد مصرفی خود خواهد کرد. اما ضریب خود قیمتی مالیات مثبت است و بيانگر اين است كه با افزايش قيمت واقعي این گروه‌های کالایی، سهم مخارج آن‌ها در سبد مصرفی خانوار افزايش می‌یابد. که نشان از ناتوانی خانوار در واكنش به افزايش قيمت و ناتوان در جانشینی این گروه‌های کالاها در سبد بودجه خانوار دارد و به‌نوعی از روی اجبار به مصرف این گروه کالایی می‌باشد.

**4-1-4-** آزمون‌های مدل تقاضای سیستمی

آزمون‌های زیر صحت و درستی مدل را بررسی می‌کنند.

**1-آزمون قید همگنی**

پس از برآورد سیستم تقاضای تقریباً ایده‌آل به بررسی تائید یا رد قید همگنی می‌پردازیم. برای این منظور، بر روی ماتریس پارامترهای مدل، فرضیه صفر که به‌صورت زیر تشریح می‌شود، اعمال می‌کنیم.

این فرضیه با استفاده از آزمون والد[[32]](#footnote-32) برآورد شده و بررسی می‌گردد. نتایج این آزمون در جدول (2) نشان داده‌شده است.

**جدول 2: آزمون قید همگنی**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| گروه | آماره آزمون |  | احتمال | فرضیه*H0* | نتیجه آزمون |
| تمامی گروه‌ها به‌طور هم‌زمان | 23.98 |  | 0.0005 |  | رد |

مأخذ: نتایج پژوهش

نتایج نشان می‌دهد فرضیه صفر برای کل سیستم رد شده است؛ و این به این معنی است که جامعه شهری دچار توهم پولی می‌باشند و تقاضایشان با افزایش متناسب قیمت‌ها و درآمد تغییر خواهد کرد. این امر حاکی از پذیرش الگوی خود رگرسیون نامقید برای جامعه شهری است.

**2-آزمون قید تقارن**

فرضیه قید تقارن به‌صورت رابطه زیر نشان داده می‌شود. این فرضیه با استفاده از آزمون والد برآورد می‌گردد.

نتایج این آزمون در جدول (3) رد فرضیه صفر و پذیرش عدم تقارن در ضرایب مدل برآوردی جامعه است. درنتیجه با توجه به رد فرضیه صفر برای هر دو محدودیت (همگنی و تقارن) در کل سیستم، مدل را تنها در حالت غیر مقید برآورد می‌کنیم.

**جدول 3: آزمون قید تقارن**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| گروه | آماره آزمون | احتمال | فرضیه*H0* | نتیجه آزمون |
| تمامی گروه‌ها به‌طور هم‌زمان | 81.84 | 0.000 |  | رد |

مأخذ: نتایج پژوهش

**4-1-5- کشش‌های تقاضا**

**کشش‌ خود قیمتی؛** میزان مطلق کشش‌های خود قیمتی برای گروه‌های کالایی به‌غیراز مالیات بزرگ‌تر از واحد و منفی است؛ یعنی چنانچه قیمت خوراک و گروه سایر کالاها یک درصد تغییر نماید میزان تقاضای آن‌ها بیش از یک درصد تغییر می‌کند. اما در واکنش در برابر مالیات می‌توان بیان کرد خانوار شهری با تغییر نرخ متوسط مالیات عکس‌العمل بسیار ناچیز و نزدیک به صفر را نشان می‌دهند که درواقع با توجه به مجبور به داشتن این خانوار به داشتن این سبد در مخارج خود بسیار بدیهی به نظر می‌رسد.

**کشش‌ متقاطع؛** بررسی کشش متقاطع نشان می‌دهد گروه خوراک و سایر کالاها نسبت جانشینی دارند و مالیات برای آن دو گروه کالایی رابطه مکملی دارد.

**کشش درآمدی؛** یکی دیگر از ابزارهای مفید در تحلیل رفتار مصرف‌کنندگان و شناخت جایگاه کالاها نزد آنان طبقه‌بندی کالاها به پست، ضروری و نرمال بر اساس کشش درآمدی تقاضا است. تمامی کشش‌های درآمدی جامعه آماری گزارش‌شده در جدول (6) مثبت است و بیانگر نرمال بودن تمامی گروه‌های کالایی است. به‌عبارت‌دیگر با افزایش درآمد مصرف‌کنندگان میزان درآمد صرف شده روی کلیه کالاها افزایش خواهد یافت. با توجه به میزان کشش‌های درآمدی کالاها، می‌توان نتیجه گرفت برای جامعه شهری، با هرگونه افزایش درآمد، بیشترین فشار تقاضا در مرتبه اول به ترتیب بر گروه مالیات، خوراک و سایر گروه‌های کالایی وارد می‌شود. گروه کالایی خوراک از بقیه کالاها ضروری‌تر هستند.

**جدول 4: کشش‌های قیمتی و خود قیمتی گروه‌های کالایی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| شرح | مالیات | خوراک |
| مالیات | 0007/0 | 08/0- |
| خوراک | 07/0- | 45/1- |

مأخذ: نتایج پژوهش

**جدول 5: رابطه گروه‌های کالایی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| شرح | مالیات | خوراک |
| مالیات | ....... | مکمل |
| خوراک | مکمل | ....... |

مأخذ: نتایج پژوهش

**جدول 6: کشش‌های درآمدی گروه‌های کالایی**

|  |  |
| --- | --- |
| گروه کالایی | کشش درآمدی |
| مالیات | 34/1 |
| خوراک | 02/1 |

مأخذ: نتایج پژوهش

**4-1-6-محاسبه تغییرات جبرانی:**

برای محاسبه *CV* بجای مقادیر و شاخص قیمت گروه‌های کالایی و بجای از نتایج به‌دست‌آمده الگوی *AIDS* استفاده‌شده است. با توجه به پارامترهای تخمین زده شد و شاخص قیمت‌ها و رابطه (14)، شاخص رفاهی ناشی از تغییر نرخ متوسط مالیات طی سال‌های 400-1367 در جدول (7) محاسبه‌شده است. در این تحقیق شاخص رفاهی خانوار در هرسال نسبت به تعدیل قیمت‌های سال بعد محاسبه می‌شود. مثلاً برای محاسبه شاخص رفاهی سال 1367، سال 1367 را سال مبدأ و نرخ مالیات متوسط سال 1368 را مبدأ ثانویه در نظر می‌گیریم و به‌این‌ترتیب شاخص رفاهی را برای تمام سال‌های موردمطالعه انجام می‌دهیم.

نوسانت زیان رفاهی تحت تأثیر نوسانت نرخ متوسط مالیات و سهم مالیات در بودجه خانوار است. به دلیل تغییرات سیاست مالیاتی دولت طی دوره تحقیق و با توجه به موضوع مالیات موردبررسی در این تحقیق می‌توان دوره موردبررسی را به 4 دوره تقسیم نمود[[33]](#footnote-33). نرخ متوسط مالیات طی این دوران نزولی بوده است اما زیان رفاهی محاسبه‌شده طی دوره رشد داشته و بیشترین زیان مربوط به  
1400-1392 می‌باشد. طی سال‌های 88-1367 که کشور کاهش تورم را تجربه می‌کند شاخص *cv* برای مالیات نسبت به دو دوره دیگر پایین‌تر است. سال‌های 1400-1389 هرچند نرخ متوسط مالیات کاهشی بوده اما هم‌زمان بودن آن با افزایش تورم و نرخ تورمی که کشور تجربه کرده است شاخص *cv* بشدت رشد داشته و اشاره به این موضوع دارد که اخذ مالیات در کنار سایر عوامل باعث کوچک‌تر شدن سبد مصرفی خانوار و چشم‌پوشی از سایر کالاها گردیده. دوره چهارم (1400-1392) که کشور بیشترین تورم را طی سی‌وچهار سال بررسی تجربه کرده زیان رفاهی در اوج خودش قرار دارد و خبر از بدتر شدن وضعیت رفاه خانوار داشته است.

**جدول 7: شاخص تغییرات جبرانی محاسبه‌شده (خانوار-سالانه-ریال)**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سال | نرخ متوسط مالیات (درصد) | مالیات |
| 72-1367 | 6.55 | 297،811 |
| 88-1373 | 7.53 | 1،435،435 |
| 92-1389 | 5.61 | 4،660،162 |
| 400-1393 | 4.69 | 22،841،003 |

مأخذ: نتایج پژوهش

**4-2- محاسبه توزیع مالیات**

با توجه به دوره زمانی اشاره‌شده در بخش قبل جدول (8) ضریب جینی در 4 دوره زمانی بررسی می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده خبر از بهبود توزیع مالیات در بین دهک‌های درآمدی دارد. البته نتایج به‌دست‌آمده اشاره به بهتر شدن وضعیت رفاهی خانوارها ندارد بلکه اشاره به فقرتر شدن جامعه شهری و از دست دادن گروه‌های کالایی بیشتر از سبد مصرفی خانوار شهری در طول دوران موردبررسی دارد.

**جدول 8: ضریب جینی مالیات**

|  |  |
| --- | --- |
| سال | ضریب جینی مالیات |
| 75-1367 | 276/0 |
| 80-1376 | 253/0 |
| 91-1381 | 226/0 |
| 400-1392 | 197/0 |

مأخذ: نتایج پژوهش

**نتیجه‌گیری و پیشنهاد**

در این مطالعه اثر تعدیل نرخ متوسط مالیات بر شاخص‌های رفاهی خانوار شهری و اثر آن بر هنجارهای حاکم بر ذهنیت این خانوارها نسبت به پرداخت مالیات برای دوره 1400-1367 بررسی‌شده است. برای اندازه‌گیری هزینه رفاهی ناشی از نرخ متوسط مالیات از فرمول تغییرات جبرانی در چارچوب سیستم تقاضای تقریباً ایده آل (*AIDS*) استفاده‌شده است. توزیع مالیات از رابطه ضریب جینی محاسبه گردید. شاخص‌های محاسبه‌شده نشان می‌دهد تغییرات نرخ متوسط مالیات هرچند در طی دوران مطالعه کاهشی بوده اما همراه شدن با رویدادها و سیاست‌های مهم اقتصادی دولت موجب افزایش زیان رفاهی خواهد شد. ضریب جینی محاسبه‌شده نشان از مناسب‌تر شدن توزیع مالیات در بین خانوارهای شهری دارد که با عدالت مالیاتی در تناقض است زیرا انتظار می‌رفت در طی موردبررسی توزیع نامناسب‌تر شده باشد و سهم خانوارهای پردرآمد از مالیات با توجه به دسترسی بیشتر به منابع و امکانات بیشتر شده باشد؛ بنابراین علت عدم تمایل خانوارهای شهری در پرداخت مالیات را باید در اثرات مالیات بر زندگی خانوارها جستجوی کرد که ادامه‌دار شدن این نابرابری تهدیدی برای طبقه متوسط جامعه خواهد بود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد سیاست‌گذاران تا زمانی که مالیات را به‌عنوان یک منبع درآمدی و منبعی برای رفع کسری بودجه دولت در نظر می‌گیرند نباید انتظار داشت که به یک ارزش و فرهنگ تبدیل شود بنابراین با توجه به یافته‌های تحقيق، می‌توان توصیه‌های سياستي زير را در جهت گسترش فرهنگ مالیاتی ارائه كرد:

- اثرات یک سیاست اقتصادی می‌بایست در بلندمدت و در مقایسه با دوره‌های قبل و بعد از سیاست‌گذاری بررسی و مقایسه شود (مطالعه حاضر 1400-1367) و نباید تنها یک دوره مطالعاتی ملاک نتیجه‌گیری قرار گیرد.

- با توجه به آنکه بیشترین اثرات منفی رفاهی مربوط به گروه‌های کالایی است که سهم بیشتری در بودجه خانوار دارند لذا سیاست‌های حمایتی دولت باید به‌طرف کالاهایی باشد که سهم بیشتری در بودجه خانوار دارند.

- دولت باید سیاست‌های مالیاتی مشخص و هدفمندتري در خصوص توزیع عادلانه درآمد و ثروت اتخاذ کند و این سیاست‌ها همراه باسیاست کنترل تورم اجرا شود، به‌طوری‌که سطح رفاه جامعه افزایش یابد؛ بنابراین باید از اجراي هر سیاستی که منجر به توزیع عادلانه درآمد و افزایش رفاه و کاهش فقر بشود، حمایت شود.

- پرداخت مالیات همان‌قدر كه برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولید و گسترش عدالت اجتماعی نقش دارد عدم تمكین به آن‌هم برای اقتصاد مشکل‌ساز و فاصله طبقاتی را افزایش می‌دهد. لذا سیاست‌های اقتصادی باید مکمل هم باشد و اجرای هم‌زمان آن‌ها باید با طرح و برنامه‌ای باشد که اثرات مثبت این سیاست‌ها را بر زندگی شهروندان تقویت و اثرات منفی آن‌ها را حداقل کنند.

- یکی از مواردی که در مقالات داخلی به‌کرات به آن اشاره‌شده پیچیدگی‌ها و ضعف قانون و اجرای آن در نظام مالیاتی ایران است که زمینه‌های بی‌اعتمادی مردم، ایجاد شرایط فرار مالیاتی و وجود تبعیض را محیا می‌کند به‌گونه‌ای كه بخشی از مردم، مالیات همراه با حقوق می‌دهند و بخشی دیگر مانند اقتصاد زیرزمینی و قاچاق، مالیاتی پرداخت نمی‌کنند؛ بنابراین لازمه اعتماد و تبدیل مالیات به یک ارزش برای جامعه داشتن یک قانون شفاف و منسجم است.

الف) منابع فارسی:

1. ابراهیمی سروعلیا، م. حساس یگانه، ی. رجایی باغ سیایی، م. علاسوند، ف. 1397، "نقش منطقه‌ای استقرار اظهارنامه‌های مالیاتی در تمایل به پرداخت مالیات )موردمطالعه: مودیان مالیاتی اداره امور مالیاتی شهر تهران(،" فصلنامه علمي پژوهشي دانش سرمایه‌گذاری، 8 (29)، 224-207.
2. احتشامی، ص. و عبدی، ف. 1395، "ارتقای فرهنگ مالیاتی و تأثیر آن بر نظام مالیات،" پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی.
3. بی‌زوال، ح. 1399، "بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء فرهنگ و تمکین مالیاتی مؤدیان سازمان امور مالیاتی کشور )مطالعه موردی: اداره کل امور مالیاتی استان آذربایجان غربی(،" فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت ، 3(33)، 46-29.
4. عبدالله میلانی، م. پروین، س. سیدی، ک. 1396، "ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد و اثر آن بر نابرابری درآمد در استان‌های کشور،" فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، 17 (66)، 22-1.
5. فرمان آرا، و. و موسوی، ع. 1392، "بررسی تأثیر افزایش قیمت انرژی برق بر خالص رفاه گروه‌های مختلف درآمدی در ایران،" فصلنامه اقتصاد کاربردی، 3 (10)، 92-125.
6. [محسنی تبریزی](http://taxjournal.ir/search.php?sid=1&slc_lang=fa&auth=+%D9%85%D8%AD%D8%B3%D9%86%DB%8C+%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2%DB%8C)، ع. [کمیجانی](http://taxjournal.ir/search.php?sid=1&slc_lang=fa&auth=%DA%A9%D9%85%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D9%86%DB%8C)، ا. [عباس زاده](http://taxjournal.ir/search.php?sid=1&slc_lang=fa&auth=%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%B3+%D8%B2%D8%A7%D8%AF%D9%87)، م. 1389، " [بررسی عوامل مؤثر بر افزایش فرهنگ مالیاتی در میان مؤدیان بخش مشاغل (صنف لوازم التحریر) استان البرز](http://taxjournal.ir/article-1-112-fa.pdf)،" فصلنامه علمی سازمان امور مالیاتی کشور، 9 (18)، 228-199.
7. مرکز آمار ایران (1400-1367)، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی.
8. مسیحی، م. محمد نژاد عالی زمینی، ا. 1394،"بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ مالیاتی از دیدگاه مؤدیان و کار شناسان مالیاتی اداره کل مالیات بر ارزش‌افزوده شهر تهران،" مجله علمی-پژوهشی مدیریت فرهنگی، 9(1)، 29-45.

ب) منابع لاتین:

1. *Deaton, A. S. & Muellbur, J. (1980), "An Almost Ideal Demand System", American Economic Review, 70(3): 312-26.*
2. Echevarría, C. (2014), “Income Tax Progressivity, Growth, Income Inequality And Welfare”, Journal Of Spanish Economic Association, Series 6:43–72 .
3. *Gaber, S.; Gruevski, L. (2018). " The Influence of Tax Culture in Improving the Tax Compliance ". International Monetary Fund, 1857-9973 336.22.02(100-773).*
4. *Green, David, Riddell A.Craig And St-Hilaire France (2015), “Income Inequality: The Canadian Story”, Art Of The State Series.*
5. *Korostelkina, I.; Dedkova1, E. ; Vаraksa, N. .; Korostelkin, Mikhail. (2020). " Models of tax relations: improving the tax culture and discipline of taxpayers in the interests of sustainable development". E3S Web of Conferences 159, 06014*
6. *Mariscal, R. & Werner, A., (2018), “The Price and Welfare Effects of the ValueAdded Tax: Evidence from Mexico”. WP/18/240.*
7. *Slesnick, D.T.(1998), “Empirical Approaches to the Measurement of Welfare”, ournal of conomic Literature , Vol. XXXVI: 2108–2165.*
8. [*http://www.renani.net/*](http://www.renani.net/)

***The role of government policies in the spiritual elements of tax culture***

***(A case study of urban society in Iran)***

***Abstract***

*The purpose of the research is to examine the changes in the average tax rate as one of the tools of the government's financial policies on the welfare and distribution of expenses of urban households in Iran during the period 1988-2021 and to examine its effects on the norms governing the mentality of these households. It is expected that if this policy is properly implemented, the income and well-being of the urban household will improve and the citizens will see its effects in their lives. They are from it. For this purpose, in this article, we first obtain the average tax rate, and in the next step, relying on theories related to the measurement of consumer welfare changes, the formula of compensatory changes in the framework of an almost ideal demand system (AIDS) Extraction and distribution of urban household tax is calculated from the Gini coefficient relationship. The results of the research indicate that the compensatory changes in this time period have been positive, that is, the increase in the average tax rate in this period has reduced the welfare of urban households. Also, the calculated Gini coefficient shows the improvement of tax distribution and the impoverishment of the urban household, because the better distribution of taxes indicates the increase of the urban taxpayer community and the loss of commodity groups from the household's consumption basket. Tax in the urban household sector has been effective as a source of income for the government, but it has not reached its goal as a tool to increase the welfare of the household, and culture building in this sector will not be useful only with advertising strategies.*

1. حسابرس ارشد مالیاتی [↑](#footnote-ref-1)
2. معاونت توسعه مدیریت و منابع [↑](#footnote-ref-2)
3. رئیس امور حسابرس مالیاتی [↑](#footnote-ref-3)
4. رنانی (1393) [↑](#footnote-ref-4)
5. *Slesnick(1998)* [↑](#footnote-ref-5)
6. *Compensating variations* [↑](#footnote-ref-6)
7. مسیحی و محمد نژاد عالی زمینی (1394) [↑](#footnote-ref-7)
8. *Cruz* [↑](#footnote-ref-8)
9. *Green,Riddell,France* [↑](#footnote-ref-9)
10. *Mariscal & Werner* [↑](#footnote-ref-10)
11. *Gaber and Gruevski,L* [↑](#footnote-ref-11)
12. *Korostelkina et al* [↑](#footnote-ref-12)
13. *Access* [↑](#footnote-ref-13)
14. *Excel* [↑](#footnote-ref-14)
15. ماده 85 قانون مالیات های مستقیم مصوبات مجلس شورای اسلامی [↑](#footnote-ref-15)
16. یک زبان برنامه‌نویسی و محیط نرم‌افزاری برای محاسبات آماری و علم داده‌ها است، که بر اساس زبان‌های اس و اسکیم پیاده‌سازی شده‌است. [↑](#footnote-ref-16)
17. *Price Independent Generalized Logarithmic (PIGLOG).* [↑](#footnote-ref-17)
18. *Deaton, A. S. and Muellbur, J. (1980)* [↑](#footnote-ref-18)
19. *Stone Index* [↑](#footnote-ref-19)
20. *Proxy* [↑](#footnote-ref-20)
21. *Linear Approximate Almost Ideal Demand System LA/AIDS* [↑](#footnote-ref-21)
22. *Addig-up* [↑](#footnote-ref-22)
23. *Homogeneity Restriction* [↑](#footnote-ref-23)
24. *Symmetry Restriction* [↑](#footnote-ref-24)
25. یکی از نرم افزارهای تخصصی در رشته اقتصاد برای پیاده سازی روش های اقتصادسنجی است. [↑](#footnote-ref-25)
26. عبدالله میلانی و همکاران (1396) [↑](#footnote-ref-26)
27. *Seemingly Unrelated Regression (SUR)* [↑](#footnote-ref-27)
28. *Stationary* [↑](#footnote-ref-28)
29. *Augmented dickey-Fuller* [↑](#footnote-ref-29)
30. *Coefficient of Determination* [↑](#footnote-ref-30)
31. *Durbin-Watson* [↑](#footnote-ref-31)
32. *Wald test* [↑](#footnote-ref-32)
33. نرخ‌های تورم بالا آثار نامطلوبی با خوددارند که بر فرایند رشد و توسعه اقتصادی و درنهایت توزیع درآمد و عدالت اقتصادی می‌تواند مؤثر واقع شود. تداوم ساختار ناسالم اقتصادی کشور در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و عواملی مانند جنگ تحمیلی، تحریم اقتصادی، رشد نقدینگی و ... باعث شده است که تورم همواره جزء لاینفک اقتصاد ایران باشد. جدول زیر نرخ تورم و عامل ایجادکننده آن را برای 4 دوره زمانی نشان داده است. بالاترین نرخ تورم مربوط به سال‌های 400-1393 است که اقتصاد ایران تورم بیش از 50 درصد را تجربه کرد.

    متوسط نرخ تورم طی دوره 1400-1367

    |  |  |  |
    | --- | --- | --- |
    | سال | رویدادها و سیاست‌های مهم اقتصادی دولت | متوسط نرخ تورم |
    | 72-1367 | افزایش درآمدهای نفتی، کاهش کسری بودجه دولت، اجرای سیاست فروش ارز به نرخ شناور و رقابتی، رشد عرضه کل تولیدات داخلی | 55/20 |
    | 88-1373 | افزایش کسر بودجه دولت، سیاست‌های انبساطی پولی و مالی و حرکت در جهت تک‌نرخی شدن ارز و آزادسازی واردات ، سررسید بازپرداخت بدهی‌های خارجی | 42/19 |
    | 92-1389 | افزایش قیمت نفت، اجرای طرح‌های بنگاه‌های زودبازده و مسکن مهر تثبیت نرخ ارز و کاهش دستوری نرخ سود بانکی، هدفمندی یارانه‌ها و تحریم‌ها | 72/24 |
    | 400-1393 | رشد نقدینگی، رشد پایه پولی و کسری بودجه دولت، رشد نرخ ارز، افزایش دستمزدها، حذف ارز ترجیحی و اجرای فاز هدفمندی یارانه ها، ادامه تحریم ها | 78/26 |

    مأخذ: تحلیلی بر تورم ایران و گزارش نرخ تورم،1400-1367، سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. [↑](#footnote-ref-33)